

جایگاه پدر و مادر در آیات و روایات

سید علی علوی^{۳۳}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۱

چکیده

در آیات و روایات، تکریم و احترام والدین بسیار مورد تأکید و سفارش است به طوری که در بسیاری از آیات قرآن کریم بعد از توحید و یکتا پرستی به تکریم و احسان والدین تأکید شده است و این بیانگر آن است که پس از ادای حق خداوند کریم حق والدین بر همه چیز مقدم است. حفظ حرمت والدین دارای آثار و برکات فراوان مادی و معنوی است که باعث توفیق و سعادت انسان می‌شود. اگر در زندگی و سیره علما توجه کنیم در می‌یابیم که یکی از راه‌های مهم و تأثیرگذار در ترقی و سعادت انسان، تکریم و احسان به والدین بوده است.

واژگان کلیدی: آیات و روایات، والدین، علما، نیکی، احسان.

^{۳۳} کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه.

مقدمه

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء، ۲۳)؛ و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نی کی کنید! هر گاه یکی از آن دو، یا هر دوی آن ها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آن ها روا مدار! و بر آن ها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آن ها بگو!

پدر و مادر دو فرشته نیکو خصال الهی هستند که بعد از خداوند کریم حق حیات بر گردن فرزندان دارند. زیرا که از دوران طفولیت و ضعف و ناتوانی فرزندان، این پدر و مادر است که تمام هستی و امکانات خودشان را در پرورش و رشد فرزندان قرار می دهند و لذا بر فرزندان لازم است که قدر زحمات پدر و مادر را بدانند. همان طور که خداوند کریم، خالق و رازق است و بندگی و تشکر از خدا بر همه بندگان فرض و لازم است، پدر و مادر نیز بعد از خداوند کریم، نقش مهم و تأثیرگذار در تولد و رشد فرزندان و تهیه امکانات و نیازهای آنان دارند.

احترام به پدر و مادر نیاز به دلیل و برهان ندارد زیرا که مورد تأیید هر انسان عاقلی است و در مقابل، هر گونه بی حرمتی به آنان، مورد سرزنش و توبیخ هر انسان منصفی است. خداوند منان به پاس قدردانی از تلاش های خالصانه پدر و مادر، در آیات فراوانی از جمله آیه فوق الذکر، احترام به آنان را به ویژه در پیری، بر فرزندان لازم و هر گونه بی احترامی، حتی در کوچک ترین عمل مانند اف گفتن به آنان را نهی فرموده است.

در مورد احترام پدر و مادر، آیات و روایات بسیار زیادی وجود دارد و در بسیاری از آیات بعد از توحید و یکتا پرستی، به تکریم و احسان والدین تأکید شده است و این بیانگر آن است که پس از ادای حق خداوند کریم، حق والدین بر همه چیز مقدم است. نوشتار پیش رو، در مورد نیکی و احترام به پدر و مادر در آیات و روایات می باشد؛ و البته فقط به بعضی

از آیات و روایات اشاره می‌شود و الا آیات و روایات در مورد تکریم و احسان به والدین و عظمت و شأن آنان زیاد می‌باشد.

احسان و نیکی به پدر و مادر در کنار توحید

«لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره، ۸۳)؛ جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر نیکی کنید. «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (نساء، ۳۶)؛ و خدا را پرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید. «أَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (انعام، ۱۵۱)؛ چیزی را شریک خدا قرار ندهید! و به پدر و مادر نیکی کنید! «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (اسراء، ۲۳)؛ و پروردگارت فرمان داده: جز او را پرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید!

از آیات شریف به دست می‌آید که بی‌حرمتی به والدین، بعد از شرک به خدا از بزرگترین گناهان است و عکسش هم صادق است؛ که تکریم و احسان به والدین، بعد از مسأله توحید از واجب‌ترین واجب‌ها است. امام امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ أَكْبَرُ فَرِيضَةٍ»؛ بزرگ‌ترین و مهم‌ترین تکلیف الهی، نیکی به پدر و مادر است (بروجردی، جامع احادیث الشيعة (للبروجردی)، ۱۳۸۶: ج ۲۶، ص ۸۸۶).

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه ۲۳ سوره اسراء فرموده است: مسأله احسان به پدر و مادر بعد از مسأله توحید خدا، واجب‌ترین واجبات است هم چنان که مسأله عقوق بعد از شرک و ورزیدن به خدا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است، و به همین جهت این مسأله را بعد از مسأله توحید و قبل از سایر احکام اسم برده و این نکته را نه تنها در این آیات متذکر شده، بلکه در موارد متعددی از کلام خود همین ترتیب را به کار بسته است.

بعضی از مفسران گفته‌اند: این که خداوند فرمود: «بالوالدین» و فرموده «الی والدین»، برای این است که فرزندان، خودشان بروند و به پدر و مادر احسان بکنند، نه این که کسی را بفرستند تا کارهای پدر و مادر را انجام دهد (تفسیر المنار، ج ۸، ص ۱۸۵؛ تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۳۴).

احترام والدین لازم است ولو کافر باشند!

قرآن و روایات، تا حدی روی احترام پدر و مادر تأکید و سفارش نموده که گفته: حتی اگر پدر و مادر کافر هم باشند، رعایت احترام شان لازم است: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا» (لقمان، ۱۵)؛ و هرگاه آن دو بکوشند که تو چیزی را همتای من قرار دهی که از آن آگاهی نداری (بلکه می‌دانی باطل است) از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن دو در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کن.

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَاجِبٌ وَإِنْ كَانَا مُشْرِكَيْنِ، وَ لَا طَاعَةَ لَهُمَا فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ» (ابن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۱۳۷۸ق: ج ۲ ، ص ۱۲۴)؛ نیکی کردن به پدر و مادر، واجب است، حتی اگر مشرک باشند، ولی نباید در نافرمانی خداوند، از آن‌ها اطاعت کرد.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةً أَدَاءَ الْأَمَانِ لَاهٍ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَالْوَفَاءَ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرِينَ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۱۶۲)؛ در سه چیز خداوند متعال به احدی اجازه ترک آن‌ها را نداده است؛ ادای امانت به مرد نیکوکار و فاسق، وفای به عهد و پیمان نسبت به نیکوکار و فاسق، و نیکی به پدر و مادر، نیکوکار باشند یا فاسق و لا ابالی.

زکریا بن ابراهیم و مادر غیر مسلمانش

زکریا بن ابراهیم که یکی از محدثین شیعه و از یاران امام صادق (علیه السلام) است در شرح حال خود می‌گوید: «كُنْتُ نَصْرَانِيًّا، فَاسْلَمْتُ وَحَجَجْتُ، فَدَخَلْتُ عَلَىٰ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام)، فَقُلْتُ: إِنِّي كُنْتُ عَلَى النَّصْرَانِيَّةِ وَإِنِّي اسْلَمْتُ؛ مِنْ مَسِيحِي بُوَدِمَ وَ سَبَسَ بِهِ اسْلَامَ گرویدم و به خانه خدا مشرف شدم. در سفر حج، به محضر امام صادق شرف یاب گشته و به حضرت عرض کردم که من مسیحی بوده ام و مسلمان شده ام.

فَقَالَ: «وَأَيُّ شَيْءٍ رَأَيْتَ فِي الْإِسْلَامِ؟» قُلْتُ: قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «مَا كُنْتُ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلَنَاهُ نُورًا نَهْدِلِي بِهِ مِنْ نَشَاءٍ» فَقَالَ: «لَقَدْ هَدَاكَ اللَّهُ». ثُمَّ قَالَ:

«اللَّهُمَّ اهْدِهِ - ثَلَاثًا - سَلُّ عَمَّا شِئْتَ يَا بَنِيَّ»؛ امام (علیه السلام) پرسید: در اسلام چه امتیازی دیدی که آن را پذیرفتی؟ گفتم: این آیه قرآن توجه مرا جلب کرده و توسط آن هدایت شد: «مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ...»؛ تو نمی دانستی کتاب و ایمان چیست، ولی ما آن را نوری قرار دادیم که هر که را خواهیم بدان هدایت کنیم. امام (علیه السلام) فرمود: خدا تو را به اسلام هدایت نموده و قلبت را به نور آن روشن ساخته است. سپس برای من دعا کرد و هدایت بیشتری را از خداوند برایم مسئلت نمود.

فَقُلْتُ: إِنَّ أَبِي وَأُمِّي عَلَى النَّصْرَانِيَّةِ وَأَهْلَ بَيْتِي، وَأُمِّي مَكْفُوفَةٌ الْبَصَرِ، فَأَكُونُ مَعَهُمْ، وَ أَكُلُ فِي آيَتِهِمْ؟ فَقَالَ: «يَا كَلْبُونَ لَحْمَ الْخَنزِيرِ؟» فَقُلْتُ لَأَ، وَلَا يَمَسُونَهُ، فَقَالَ: «لَا بَأْسَ، فَانظُرْ أُمَّكَ قَبْرَهَا، فَإِذَا مَاتَتْ فَلَا تَكَلِّهَا إِلَى غَيْرِكَ، كُنْ أَنْتَ الَّذِي تَقُومُ بِشَأْنِهَا، وَلَا تُخْبِرَنَّ أَحَدًا أَنَّكَ أَتَيْتَنِي حَتَّى تَأْتِيَنِي بِمَنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ»؛ به امام عرض کردم: پدر و مادر و بستگان من در آئین مسیحیت باقی هستند و مادرم نابینا است. آیا برای من جایز است که با آن ها زندگی کنم و روابطی داشته باشم؟

امام پرسید: آیا آن ها گوشت خوک می خورند؟ گفتم: نه. فرمود: معاشرت تو با آن ها اشکال ندارد. سپس اضافه کرد: درباره مادرت مراقب باش. به او نیکی و احسان کن و هرگاه زندگی اش به پایان رسید و از دنیا رفت، خودت عهده دار کفن و دفن او باش. و به کس چیزی نگو تا نزد من در منی بیائی ان شاء الله.

«قَالَ: فَاتَيْتَهُ بِمَنِي وَالنَّاسُ حَوْلَهُ كَأَنَّهُ مُعَلِّمٌ صَبِيَّانِ هَذَا يَسْأَلُهُ، وَ هَذَا يَسْأَلُهُ»؛ گوید: در منی نزد آن حضرت رفتم و مردم دور او جمع شده بودند و او مانند یک معلم کودکان، با آن ها بود که گاهی این و گاهی آن، از امام چیزی سوال می کرد.

«فَلَمَّا قَدِمْتُ الْكُوفَةَ الْطُفْتُ لِأُمِّي، وَ كُنْتُ أُطْعِمُهَا، وَ أَقْلِي تَوْبَهَا وَ رَأْسَهَا، وَ أَخْدُمُهَا، فَقَالَتْ لِي: يَا بَنِيَّ، مَا كُنْتَ تَصْنَعُ بِي هَذَا وَ أَنْتَ عَلَى دِينِي؟ فَمَا الَّذِي أَرَى مِنْكَ مِنْذُ هَاجَرْتَ، فَدَخَلْتَ فِي الْحَنِيفِيَّةِ؟ فَقُلْتُ: رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ نَيْبِنَا أَمَرَنِي بِهَذَا، فَقَالَتْ: هَذَا الرَّجُلُ هُوَ نَبِيٌّ؟ فَقُلْتُ:

لَا، وَ لَكِنَّهُ ابْنُ نَبِيِّ، فَقَالَتْ: يَا بَنِي، هَذَا نَبِيٌّ؛ إِنَّ هَذِهِ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ، فَقُلْتُ: يَا أُمَّهُ، إِنَّهُ لَيْسَ يَكُونُ بَعْدَ نَبِينَا نَبِيٌّ، وَ لَكِنَّهُ ابْنُهُ؛

چون از سفر حج برگشتم و به کوفه رسیدم، بر طبق فرمان امام صادق (علیه السلام)، خوش رفتاری و مهربانی زیادی به مادرم نمودم. خودم به او غذا می دادم و لباسش را مرتب می کردم و سرش را شانه می زدم و عهده دار خدمتش می شدم. مادرم که این تغییرات را در روش من دید، گفت: تو در آن روزگاری که به دین من بودی، با من این طور رفتار نمی کردی، چه دلیلی دارد که از وقتی که به اسلام گرویده‌ای، این قدر به من محبت می کنی؟ گفتم: یکی از فرزندان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) دستور داده که این گونه رفتار کنم.

گفت: آیا او همان پیامبر شما است؟ گفتم: نه بعد از پیامبر ما، پیامبر دیگری مبعوث نخواهد شد و او پسر پیامبر ماست.

«فَقَالَتْ: يَا بَنِي، دِينَكَ خَيْرُ دِينٍ، أَعْرَضَهُ عَلَيَّ، فَعَرَضْتُهُ عَلَيْهَا، فَدَخَلَتْ فِي الْإِسْلَامِ، وَ عَلِمْتُهَا، فَصَلَّتِ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ وَ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ، ثُمَّ عَرَضَ لَهَا عَارِضٌ فِي اللَّيْلِ، فَقَالَتْ: يَا بَنِي، أَعِدْ عَلَيَّ مَا عَلِمْتُ لَائِنِي، فَأَعَدْتُهُ عَلَيْهَا، فَأَقْرَبْتُ بِهِ وَ مَاتَتْ، فَلَمَّا أَصْبَحَتْ كَانَ الْمُسْلِمُونَ الَّذِينَ عَسَلَوْهَا، وَ كُنْتُ أَنَا الَّذِي صَلَّيْتُ عَلَيْهَا، وَ نَزَلْتُ فِي قَبْرِهَا» (كليني، الكافي، ١٤٠٧ق: ج ٣، ص ٤١٠).

گفت: ای پسر! دین تو از دین من بهتر است، مرا راهنمایی کن تا مسلمان شوم. من طریقه اسلام را به او آموختم و او مسلمان شد. نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را خواند و در نیمه شب کسالتی پیدا کرد. من در کنار بسترش به پرستاری پرداختم. به من گفت: پسر! اعتقادات اسلام را دوباره برایم تکرار کن، من تکرار کردم و او به همه آنان اقرار کرد و در همان شب چشم از جهان فرو بست. بامداد روز بعد جنازه اش به وسیله گروهی از مسلمانان و مطابق آئین اسلامی تشییع شد و من بر جنازه او نماز خواندم و با دست خود به خاک سپردم.

شکرگزاری از پدر و مادر در ردیف شکرگزاری از خدا

خداوند در قرآن کریم فرموده است: «أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ» (لقمان، ۱۴)؛ شکر من و شکر پدر و مادرت به جای آور.

«وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل، ۱۸)؛ و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز نمی‌توانید آنها را احصا کنید؛ خداوند بخشنده و مهربان است!

قرار گرفتن شکرگزاری از پدر و مادر، در کنار شکرگزاری از خداوند متعال، که نعمت‌های قابل‌شمارش نیست؛ بیانگر وسعت و عمق حق پدر و مادر می‌باشد یعنی هر چه هم فرزندان سعی و تلاش بکنند نمی‌توانند حق پدر و مادر را ادا کنند.

مردی خدمت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) شرف یاب شد و عرض کرد: «مادر پیری دارم که از حرکت افتاده و من او را به دوش می‌گیرم و هر جایی که خواست، می‌برم و لقمه در دهانش می‌گذارم و او را نظافت می‌کنم و در هنگام نظافت برای احترام به او، صورت خود را از او بر می‌گردانم. آیا من توانسته‌ام حق مادرم را ادا کنم؟

حضرت فرمود: «هرگز، زیرا که شکم‌ش مدتی جایگاه تو بود و از سینه او غذا و شیر می‌خوردی. دست و پای او نگه دار و نگهبان تو بود و در تمام این حالات، آرزوی دوام حیات تو را داشت. و تو در این حالات خدمت به مادرت، آرزوی مرگش را داری که زودتر از زحمتی که در آن هستی، خلاص شوی» (دستغیب، گناهان کبیره، ۱۳۹۱: ج ۱، ص ۱۲۰).
امام رضا (علیه السلام) فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَلِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ» (ابن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۲۵۸)؛ خداوند متعال شکر و سپاس را برای خود در کنار شکر و سپاس والدین قرار داده، پس کسی که شکر والدین را به جا نیاورد شکر خدا را هم به جا نیاورده است.

سفارش همه مردم نسبت به والدین

خداوند متعال در قرآن کریم همه انسان‌ها را سفارش نموده است که نسبت به پدر و مادر احترام و احسان داشته باشند: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا»؛ و ما به هر انسانی سفارش کردیم که در حق پدر و ما در خود نیکی کن.

سفارش احترام و نیکی به والدین اختصاص به پدران و مادران مسلمان ندارد؛ بلکه همه پدران و مادران باید مورد احترام فرزندان خود قرار گیرند، زیرا در آیات سخن از «والدین» بدون قید به ایمان و اسلام است.

اظهار تواضع نسبت به والدین

یکی از دستوره‌های الهی نسبت به والدین اظهار ادب، تواضع و فروتنی در برابر ایشان است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء، ۲۴)؛ و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: پروردگارا! همان‌گونه که آن‌ها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمت شان قرار ده!

امام صادق (علیه السلام) در تبیین چگونگی رفتار متواضعانه در برابر والدین می‌فرماید: «لَا تَمَلَأْ عَيْنَيْكَ مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِمَا إِلَّا بِرَحْمَةٍ وَرِقَّةٍ، وَلَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصْوَاتِهِمَا، وَلَا يَدَكَ فَوْقَ آيِدِيهِمَا، وَلَا تَقْدِّمْ قُدَامَهُمَا» (کلینی، الکافی ۱۴۲۹ق: ج ۳؛ ص ۴۰۴)؛ چشم‌هایت را جز از روی دلسوزی و مهربانی با پدر و مادر، خیره مکن و صدایت را بلندتر از صدای آن‌ها نکن، دست‌هایت را بالای دست‌های آن‌ها مبر، و جلوتر از آنان راه مرو.

حتی «اف» گفتن به پدر و مادر جایز نیست

از نگاه قرآن کریم حرمت پدر و مادر به حدی است که حتی «اف» گفتن به آنان جایز نیست و باید تحت هر شرایطی حفظ حرمت شوند و بی‌حرمتی تحت هیچ شرایطی جایز نیست. «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء، ۱۵)؛ و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن‌ها، یا هر دوی آن‌ها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آن‌ها روا مدار! و بر آن‌ها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آن‌ها بگو!

قید «کبر» در آیه برای چیست؟

آن چه از آیات و روایات به دست می‌آید این است؛ که اطاعت از والدین در هر حال، اعم از پیری و میان‌سالی، واجب و ضروری است، اما این که چرا خداوند متعال در آیه شریفه، زمان پیری و کهولت را ذکر فرموده؟ بعضی از مفسرین قرآن کریم، از جمله صاحب تفسیر احسن الحدیث گفته‌اند: «قید پیر شدن برای آن است که پدران و مادران در حال پیری احتیاج بیشتر به کمک فرزندان دارند؛ «اما» ان شرطیه با «ماء» تأکید است، در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) آمده کم‌ترین عقوبت آن است که به پدر یا مادر بگویی: ناراحتم کردی، از دست تو به تنگ آمدم، اگر چیزی از آن کمتر بود، خدا از آن نهی می‌کرد: «عن حریر قال سمعت ابا عبد الله يقول ادنی العقوق افّ، و لو علم الله شیئا اهن منه لنهی عنه» منظور از قول کریم، سخن ملایم و خوشایند است در مقابل نهر و زجر که فریاد کشیدن و از خود راندن است» (قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ۱۳۹۱: ج ۶، ص ۵۹).

دعا و طلب رحمت و مغفرت برای والدین

«وَ أَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِی صَغِيرًا» (اسراء، ۲۴)؛ و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: پروردگارا! همان‌گونه که آن‌ها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمت‌شان قرار ده!

کلمه خفض و جناح (پر و بال گسترده) کنایه است از مبالغه در تواضع و خضوع زبانی و عملی، و این معنا از همان صحنه‌ای گرفته شده که جوجه بال و پر خود را باز می‌کند تا مهر و محبت مادر را تحریک نموده و او را به فراهم ساختن غذا وادار سازد، و به همین جهت کلمه جناح را مقید به ذلت کرده و فرمود: جَنَاحَ الذَّلِّ و معنای آیه این است که: انسان باید در معاشرت و گفتگوی با پدر و مادر طوری رو به رو شود که پدر و مادر تواضع و خضوع او را احساس کنند، و بفهمند که او خود را در برابر ایشان خوار می‌دارد، و نسبت به ایشان مهر و رحمت دارد (موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ص ۱۱۰).

دعای حضرت ابراهیم (علیه السلام) در حق والدینش: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»؛ پروردگارا! مرا و پدر و مادرم و همه مؤمنان را در روزی که حساب بر پا می شود، ببخش و بیامرز.

حضرت نوح (علیه السلام) نیز این گونه در حق والدینش دعا می کند: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ...»؛ ای پروردگار من، مرا و پدر و مادرم را و هر که را با ایمان به خانه من وارد شود و نیز مردان مؤمن و زنان مؤمن را بیامرز.

احترام انبیاء نسبت به والدینشان

خداوند متعال وقتی حضرت یحیی (علیه السلام) را وصف می کند و اوصاف گوناگونی را درباره حضرتش می شمارد. از جمله امور مهم و کلیدی که به آن اشاره کرده است؛ مسأله نیکی و احترام به پدر و مادر است: «وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا» (مریم، ۱۴)؛ او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود؛ و جبار (و متکبر) و عصیان گر نبود.

در مورد حضرت عیسی (علیه السلام) نیز آمده است که: «وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا» (مریم، ۳۲)؛ خداوند مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده است و جبار و شقی قرار نداده است.

احترام و نیکی پیامبر (ص لی الله علیه و آله) به والدین رضاعی

بعد از آن که شیر آمنه، مادر پیامبر (صلی الله علیه و آله) کم شد، عبدالمطلب، جدّ پیامبر، او را به دایه ای مهربان سپرد. در آن زمان، دایه های قبیله بنی سعد، مشهور بودند که در موقع معینی به مکه می آمدند و هر کدام، نوزادی را گرفته، همراه خود می بردند. چهار ماه از تولد پیامبر (صلی الله علیه و آله) گذشته بود که دایه های قبیله بنی سعد، به مکه آمدند و در آن سال، قحطی عجیبی بود. از این لحاظ به کمک اشراف مکه نیازمند بودند. در این بین، حلیمه، نوه عبدالمطلب را پذیرفت. عبدالمطلب رو به حلیمه کرد و گفت: «از کدام قبیله ای؟» گفت: «از بنی سعد». پرسید: «اسمت چیست؟». گفت: «حلیمه». عبدالمطلب از شنیدن

اسم او و نام قبیله اش بسیار مسرور شد و گفت: «آفرین! دو خوی پسندیده و دو خصلت شایسته: یکی سعادت و دیگری حلم و بردباری.

دایه مهربان پیامبر(صلی الله علیه و آله)، پنج سال از وی محافظت کرد و در تربیت و پرورش او کوشید. بعد حلیمه او را به مکه آورد و به جد بزرگوارش سپرد. پیامبر(صلی الله علیه و آله) چند خواهر و برادر رضاعی در خانه حلیمه داشت و پدر رضاعی آن حضرت، حارث بن عبدالعزی بود.

سال‌ها از این ماجرا گذشت، تا این که حضرت محمد به پیامبری مبعوث گردید. روزی پیامبر(صلی الله علیه و آله) روی عبایی نشسته بود؛ ناگهان شوهر حلیمه به حضور آن حضرت آمد. پیامبر(صلی الله علیه و آله) ب‌ه یاد مهربانی‌های او از جا برخاست و از او احترام کرد و روی عبایش نشانید. در این هنگام، مادرش حلیمه آمد. حضرت گوشه دیگر عبایش را برای او پهن کرد، او را روی آن نشانید و محبت شایانی به مادر رضاعی خود کرد. آن‌ها هنوز در آن هنگام، اسلام نیاورده بودند؛ اما سخنان پیامبر(صلی الله علیه و آله) در دل صاف آن‌ها اثر کرد و همان دم، نور ایمان بر قلب آن‌ها تابید و ایمان را به زبان جاری کردند (احمدی و احمدی، مقام پدر و مادر در اسلام، ۱۳۸۸: ص ۲۰۷).

زیارت قبر والدین و انجام خیرات به نیابت از آنان

از دیدگاه آیات و روایات، حق پدر و مادر و احسان و نیکی به آنان اختصاص به زمان حیات ایشان ندارد بلکه پدر و مادر بعد از حیات شان نیز حقی به گردن فرزندان دارند! فرزندان پس از وفات پدر و مادر نیز می‌توانند با زیارت قبرشان از پاداش بزرگ خداوند به اهل احسان بهره مند شوند. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِيهِ أَوْ أَحَدِهِمَا فِي كُلِّ جُمُعَةٍ غُفِرَ لَهُ وَ كُتِبَ بَرًّا» (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۳۶۵)؛ کسی که قبر پدر و مادر یا یکی از آن دو را در هر جمعه یکبار زیارت کند خداوند او را می‌بخشد و او را نیکوکار می‌نویسد.

امیر مؤمنان حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «زُورُوا مَوْتَاكُمْ فَإِنَّهُمْ يَفْرَحُونَ بِزِيَارَتِكُمْ وَ لِيَطْلُبَ أَحَدُكُمْ حَاجَتَهُ عِنْدَ قَبْرِ أَبِيهِ وَ عِنْدَ قَبْرِ أُمِّهِ بِمَا يَدْعُو لَهُمَا» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ص ۲۳۰)؛ مردگان خود را زیارت کنید، به راستی آن ها از زیارت شما خرسند می شوند. هر یک از شما حاجت خود را سر قبر پدر و مادرش طلب کند، پس از دعا برای آن ها.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «سَيِّدُ الْأَبْرَارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَرٌّ وَالِدِيهِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا» (مجلسی، حار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۴۰۳ق: ج ۷۱، ص ۸۶)؛ در روز قیامت سرآمد ابرار و نیکان، کسی است که پس از مرگ پدر و مادر، برای ایشان احسان و نیکی کند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «مَا يَمْنَعُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ أَنْ يَبِرَّ وَالِدِيهِ حَيًّا وَ مَيِّتًا يُصَلِّيَ عَنْهُمَا وَ يَتَصَدَّقَ عَنْهُمَا وَ يَحُجَّ عَنْهُمَا وَ يَصُومَ عَنْهُمَا فَيَكُونَ الَّذِي صَنَعَ لَهُمَا وَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ فَيَزِيدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِرِّهَ وَ صِلَتِهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (شیخ حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ص ۲۷۶)؛ چه چیز مانع شخص می شود وقتی که پدر و مادرش زنده یا مرده اند به آن ها نیکی کند، به این صورت که به نیت آن ها نماز بخواند، صدقه بدهد، حج به جا بیاورد و روزه بگیرد، زیرا اگر چنین کند ثواب آن ها به پدر و مادر می رسد و به خود شخص هم، همان قدر ثواب داده می شود، به علاوه خداوند متعال به واسطه کارهای نیک و نماز او، خیر زیادی به او عطا می کند.

امام باقر (علیه السلام) فرموده است: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ بَارًّا بِوَالِدِيهِ فِي حَيَاتِهِمَا ثُمَّ يَمُوتَانِ فَلَا يَقْضَى عَنْهُمَا دِيُونُهُمَا وَ لَا يَسْتَغْفَرُ لَهُمَا فَ يَكْتُبُهُ اللَّهُ عَاقًا وَ إِنَّهُ لَيَكُونُ عَاقًا لَهُمَا فِي حَيَاتِهِمَا غَيْرَ بَارٍّ بِهِمَا فَإِذَا مَاتَا قُضِيَ دَيْنُهُمَا وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمَا فَيَكْتُبُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَارًّا» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۱۶۳)؛ یک وقت هست که بنده در زمان حیات پدر و مادر خود نسبت به آنان نیکوکار است، اما وقتی می میرند نه بدهی آنان را می پردازد و نه برایشان طلب آمرزش می کند، در این صورت خداوند او را نافرمان قلمداد می کند و یک وقت هم هست که بنده

در زمان حیات پدر و مادر خود ناخلف و نافرمان است و به آنان نیکی نمی‌کند، اما وقتی مردند بدهی‌های آن‌ها را می‌پردازد و برای ایشان آمرزش می‌طلبد. لذا خداوند عزّ و جلّ او را نیکو کار می‌نویسد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «إِذَا تَصَدَّقَ الرَّجُلُ بِنَيْهِ الْمَيِّتِ أَمَرَ اللَّهُ جِبْرِئِيلَ أَنْ يَحْمِلَ إِلَى قَبْرِهٖ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ فِي يَدِ كُلِّ مَلَكٍ طَبَقٌ فَيَحْمِلُونَ إِلَى قَبْرِهٖ وَيَقُولُونَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ هَذِهِ هَدِيَّةُ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ إِلَيْكَ فَيَتَلَأَأُ قَبْرَهُ وَاعْطَاهُ اللَّهُ أَلْفَ مَدِينَةٍ فِي الْجَنَّةِ - وَزَوْجَهُ أَلْفَ حُورَاءٍ وَآلِسَهُ أَلْفَ حُلَّةٍ وَقَضَى لَهُ أَلْفَ حَاجَةٍ» (شیخ حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۱۴۰۹ق: ج ۲؛ ص ۴۴۵)؛ هنگامی که از طرف میت صدقه داده شود، خدای متعال به جبرئیل دستور می‌دهد که هفتاد هزار ملک را به طرف قبر آن شخص روانه سازد. درحالی که دست هر یک از آن ملائکه طبقی از نور می‌باشد. آن‌ها این طبق‌های نور را به طرف قبر آن شخص می‌برند و به او می‌گویند: سلام بر تو باد- ای ولی خدا! این هدیه است از طرف فلان فرزند فلان به تو داده شده است.

در این هنگام قبر آن شخص مملو از نور می‌گردد و خدای متعال به شخصی که صدقه داده است هزار شهر در بهشت می‌دهد و هزار حور العین به او کرامت می‌فرماید و هزار حله بهشتی بر او می‌پوشاند و هزار حاجت او را برآورده می‌سازد.

برتری خدمت به پدر و مادر بر جهاد

جهاد و شهادت در آیات و روایات جایگاه بسیار ویژه و ممتازی دارد به طوری که خیلی‌ها آرزوی رفتن به جبهه و جهاد دارند.

در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شخصی نزد حضرت آمد و عرض کرد: «يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي رَاغِبٌ فِي الْجِهَادِ نَشِيظٌ قَالَ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَجَاهِدْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنَّكَ إِنْ تَقَاتَلْتَ حَيًّا عِنْدَ اللَّهِ تُرْزَقَ وَإِنْ تَمُتَ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُكَ عَلَى اللَّهِ وَإِنْ رَجَعْتَ رَجَعْتَ مِنَ الذُّنُوبِ كَمَا وُلِدْتَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لِي وَالِدَيْنِ كَبِيرَيْنِ يَزْعُمَانِ أَنَّهُمَا يَأْتِسَانِ بِي وَيَكْرَهُانِ خُرُوجِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَرِّمْ مَعَ وَالِدَيْكَ فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَأَنْسُهُمَا

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «برّ الوالدین أفضل من الصلوة و الصوم و الحجّ و العمرة و الجهاد فی سبیل الله» (النراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۷۴)؛ نیکی به پدر و مادر از نماز و روزه و حج و عمره و جهاد در راه خدا برتر است.

فاصله بین انبیاء و نیکی کننده به والدین

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «بَیْنَ الْأَنْبِیَاءِ وَالْبَارِّ دَرَجَةٌ وَ بَیْنَ الْعَاقِّ وَالْفِرَاعِنَةِ دَرَكَةٌ» (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵؛ ص ۱۷۶)؛ بین انبیا(علیهم السلام) و شخصی که به والدین خود نیکی می کند در بهشت یک درجه تفاوت وجود دارد و بین عاقّ والدین و فراعنه - در جهنّم - یک فاصله تفاوت وجود دارد.

تَبَسُّمٌ وَ اخْمٌ مَلِكِ الْمَوْتِ

حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) فرمود: «الْبَارُّ يَطِيرُ مَعَ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَإِنْ مَلَكَ الْمَوْتِ يَتَبَسَّمُ فِي وَجْهِ الْبَارِّ وَ يَكْلَحُ فِي وَجْهِ الْعَاقِّ» (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸ق: ج ۱۵، ص ۱۷۶)؛ شخصی که به والدین خود نیکی می کند با فرشتگان نیکوکار پرواز می کند، و ملک الموت به روی شخص نیکوکار هنگام گرفتن جاننش تبسم می نماید و بر روی شخصی که عاقّ والدین است اخم نموده و بر او خشم می نماید.

ارزش اطاعت از پدر و مادر

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «العبد المطيع لوالديه و لربه فی أعلى علیین» (پاینده، نهج الفصاحة) (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۵۷۸)؛ کسی که مطیع پدر و مادر و پروردگار خویش باشد روز قیامت در بالاترین جایگاه بهشت است.

مسافرت برای نیکی به پدر و مادر

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «سِرُّ سَتِّينَ بَرٍّ وَالِدَيْكَ سِرُّ سَنَةِ تَوَصَّلَ رَحِمَكَ...» (ابن اشعث، الجعفریات (الأشعثیات)، بی تا: ج ۱، ص ۱۸۶)؛ دو سال راه برو و به پدر و مادرت نیکی کن، یک سال راه برو و صلّه رحم انجام بده.

یعنی اگر شخصی پدر و مادرش نزدش نباشد و در فاصله دوری باشد؛ خدمت به والدین ارزش این را دارد که شخص سفر کند گرچه دو سال راه برود تا به پدر و مادرش خدمت و نیکی نماید.

حقوق پدر بر فرزند

امام کاظم (علیه السلام) فرموده است: «سَأَلَ رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ؟ قَالَ: لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ، وَلَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ، وَلَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ، وَلَا يَسْتَسَبُّ لَهُ» (کلینی، الکافی، ۱۴۲۹ق: ج ۳، ص ۴۰۶)؛ مردی از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سؤال کرد: حق پدر بر فرزند چیست؟ حضرت فرمود: ۱ - او را با نام صدا نکند ۲ - در راه رفتن از او جلو نیفتد. ۳ - قبل از او ننشیند. ۴ - کاری انجام ندهد که مردم پدرش را فحش بدهند.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ أَنْ يَخْشَعَ لَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ» (متقی، کنز العمال، ۱۴۱۹ق: ج ۱۶، ص ۴۷۳)؛ از جمله حقوق پدر بر فرزندش، این است که در هنگام خشم پدر، در برابرش خشوع کند.

معنای احسان به پدر و مادر

ابی ولاد می گوید: معنای آیه «وبالوالدین احسانا» را از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم، فرمود: «الْإِحْسَانُ أَنْ تُحْسِنَ صُحْبَتَهُمَا وَلَا تُكَلِّفَهُمَا أَنْ يَسْأَلَكَ شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجَانِ إِلَيْهِ...» (عیاشی، تفسیر العیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ص ۲۸۵)؛ احسان به پدر و مادر این است که رفتارت را با آن ها نیکو کنی و مجبورشان نکنی تا چیزی که نیاز دارند از تو بخواهند؛ یعنی قبل از درخواست آنان، نیازشان را برطرف کنی.

نیکی به والدین از اعمال محبوب نزد خداوند متعال است

ابن مسعود می گوید: به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) عرض کردم: کدام اعمال در نزد خداوند عز و جل محبوب تر است؟ «قَالَ الصَّلَاةُ لَوْ قَتَلَهَا قُلْتُ ثُمَّ أَيُّ شَيْءٍ قَالَ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ قُلْتُ ثُمَّ أَيُّ شَيْءٍ قَالَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» ابن بابویه، الخصال، ۱۳۶۲: ج ۱،

ص ۱۶۳)؛ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: خواندن نماز در وقت آن و نیکی نمودن به والدین و جهاد نمودن در راه خداوند عزّ و جلّ.

عظمت پدر و مادر

امام رضا(علیه السلام) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بِهَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى؛ خداوند متعال دستور داده که سه چیز همراه سه چیز دیگر انجام گیرد: «أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ فَمَنْ صَلَّى وَكَمْ يُزَكِّ كَلِمَ تَقْبَلُ مِنْهُ صَلَاتُهُ»؛ به نماز همراه زکات، فرمان داده است، پس کسی که نماز بخواند و زکات نپردازد نمازش نیز پذیرفته نمی شود. «وَأَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَلِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ كَمَّ يَشْكُرُ وَالِدَيْهِ كَمَّ يَشْكُرُ اللَّهَ»؛ به سپاس‌گزاری از خودش و پدر و مادر، فرمان داده است، پس کسی که از پدر و مادرش سپاس‌گزاری نکند، خدا را شکر نکرده است.

«وَأَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَصَلَةِ الرَّحِمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ» ابن بابویه، الخصال، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۱۵۶)؛ به تقوای الهی و به صله رحم دستور داده، پس کسی که صله رحم انجام ندهد تقوای الهی را هم به جا نیاورده است.

اطاعت از پدر و مادر زنده باشند یا نباشند

پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) - در سفارش به مردی - فرمود: «وَالِدَيْكَ فَأَطِعْهُمَا وَبَرَّهُمَا حَيِّينَ كَانَا أَوْ مَيِّتِينَ، وَإِنْ أَمْرَاكَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ أَهْلِكَ وَ مَالِكَ فَافْعَلْ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۴۰۵)؛ پدر و مادرت را فرمان بر و به آنان، زنده باشند یا مرده، نیکی کن و [حتی] اگر دستور دادند خانواده و دارایی ات را رها کنی، این کار را بکن؛ زیرا که این جزئی از ایمان است.

تأثیر رفتار فرزندان بعد از مرگ والدین

امام باقر(علیه السلام) فرمود: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ بَارًّا بِوَالِدَيْهِ فِي حَيَاتِهِمَا، ثُمَّ يَمُوتَانِ فَلَا يَقْضِي عَنْهُمَا دِيُونَهُمَا وَلَا يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا فَيَكْتُبُهُ اللَّهُ عَاقًا. وَإِنَّهُ لَيَكُونُ عَاقًا لَهُمَا فِي حَيَاتِهِمَا غَيْرَ

بَارٍ بِهِمَا، فَإِذَا مَا قَضَىٰ دَيْنَهُمَا وَاسْتَعْفَرَ لَهُمَا فَيَكْتُبُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَارًا؛ (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۱۶۳).

یک وقت هست که بنده در زمان حیات پدر و مادر خود نسبت به آنان نیکوکار است، اما وقتی می‌میرند نه بدهی آنان را می‌پردازد و نه برایشان طلب آمرزش می‌کند، در این صورت خداوند او را نا فرمان قلمداد می‌کند و یک وقت هم هست که بنده در زمان حیات پدر و مادر خود ناخلف و نافرمان است و به آنان نیکی نمی‌کند، اما وقتی مردند بدهی‌های آن‌ها را می‌پردازد و برای ایشان آمرزش می‌طلبد. لذا خداوند عز و جل او را نیکوکار می‌نویسد.

حق مادر در بیان نورانی امام زین العابدین (علیه السلام)

امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: «أَمَّا حَقُّ أُمِّكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْتَمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا، وَأَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةٍ قَلْبِهَا مَا لَا يُعْطَىٰ أَحَدٌ أَحَدًا، وَوَقَّتَكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِهِ، وَكَمْ تُبَالِ أَنْ تَجُوعَ وَتُطْعِمَكَ، وَتَعْطَشَ وَتَسْقِيَكَ، وَتَعْرَىٰ وَتَكْسُوكَ، وَتَضْحَىٰ وَتُظْلِكَ، وَتَهْجُرَ النَّوْمَ لِأَجْلِكَ، وَوَقَّتَكَ الْحَرَّ وَالْبَرْدَ، لِتَكُونَ لَهَا، فَإِنَّكَ لَا تُطِيقُ شُكْرَهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَتَوْفِيقِهِ» (مجلسی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه ط - القدیمة)، ۱۴۰۶ق: ج ۵؛ ص ۵۱۷؛ و اما حق مادرت بر تو، این است که بدانی او تو را در جایی حمل کرده است که هیچ کس دیگری را حمل نمی‌کند و از میوه دلش، آن به تو داد که احدی به دیگری نمی‌دهد و تو را با تمام اعضایش حفظ کرد و اهمیتی نمی‌داد که خود گرسنه باشد، اما تو سیر باشی و خود تشنه باشد، اما تو را سیراب کند و خود برهنه باشد، اما تو را بپوشاند و خود در زیر آفتاب باشد، اما تو را سایه افکند و به خاطر تو خواب را بر خود حرام سازد و از گرما و سرما نگاهت دارد، تا تو را داشته باشد و از دست ندهد. بنا بر این، تو جز با کمک و توفیق الهی، از پس قدردانی او بر نمی‌آیی.

نیکی به والدین از صفات شیعه است

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «مَا شِيعْنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ وَمَا كَانُوا يُعْرِفُونَهُ إِلَّا بِالتَّوَاضُّعِ وَالتَّخَشُّعِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَكَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ وَالصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ وَالْبِرِّ بِالْوَالِدَيْنِ» (ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علی ه و آله)، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۲۹۵)؛ شیعه ما نیست، جز کسی که خدا را در نظر داشته باشد و او را اطاعت کند، و شیعه را نمی‌توان شناخت، جز با تواضع، افتادگی، ادای امانت، ذکر فراوان، روزه گرفتن، نماز خواندن و نیکی به پدر و مادر.

معنای احسان و نیکی به پدر و مادر

أبی وکاد حناط می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره آیه «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» سؤال کردم که این احسان چیست؟ امام (علیه السلام) در این باره نکاتی را فرمودند که عبارت است از:

«الْإِحْسَانُ أَنْ تُحْسِنَ صُحْبَتَهُمَا»؛ احسان به پدر و مادر، این است که با آن‌ها خوش رفتاری کنی و انیس و مونس آن‌ها باشی.

«وَأَنْ لَا تُكَلِّفَهُمَا أَنْ يَسْأَلَكَ شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجَانِ إِلَيْهِ»؛ اگر حاجت و نیازی دارند قبل از آن که اظهار کنند و از تو چیزی بخواهند برآورده کن و صبر نکن تا از تو درخواست کنند یعنی تا همین مقدار هم آن‌ها را به خجالت و سختی نینداز. امام (علیه السلام) در همین رابطه به آیه‌ای از قرآن کریم اشاره می‌کنند و می‌فرمایند مگر سخن خدا را نشنیده‌اید که می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»؛ به مقام برّ و نیکی نمی‌رسید مگر از آن چه که دوست دارید انفاق کنید.

امام (علیه السلام) در ارتباط به این آیه شریفه- «إِمَّا يَلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَوْفٍ وَلَا تَنْهَرُهُمَا»؛ (اسراء، ۱۵)؛ هر گاه یکی از آن دو، یا هر دوی آن‌ها، نزد تو به سن پیری رسند، کم‌ترین اهانتی به آن‌ها روا مدار! و بر آن‌ها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آن‌ها بگو!- فرمود: «إِنْ أَضْجَرَكَ فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَوْفٍ، وَلَا

تَنَهَّرُهُمَا إِنْ ضَرَبَاكَ» أَفْ نَگفتن به این است که اگر تو را آزرده‌اند حتی اگر شما را کتک زدند، به آن‌ها اف‌نگویی. «وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»؛ و با آن‌ها سخن نیکو و خوب بگو.

«وَلَا تَنَهَّرُهُمَا إِنْ ضَرَبَاكَ»؛ پدر و مادرت را از محیط زندگی خود دور نکن. حتی اگر پدر و مادرت به سبب کهنلت سن با شما درشتی کنند و یا شما را کتک بزنند نه تنها عکس‌العمل بدی نشان ندهید، بلکه به ایشان بگویید «عَفَرَ اللَّهُ لَكُمَا»؛ خدا شما را بیامرزد، شما در حق من بدی کردید اما خدا از شما گذشت کند. امام (علیه السلام) می‌فرماید: «فَذَلِكَ مِنْكَ قَوْلٌ كَرِيمٌ»؛ این نوع برخورد از شما با پدر و مادر قول کریم است.

امام (علیه السلام) در ارتباط با این آیه شریفه: «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ»؛ و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! - فرمود: «لَا تَمَلَأْ عَيْنَيْكَ مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِمَا إِلَّا بِرَحْمَةٍ وَ رِقَّةٍ»؛ نگاه تند به پدر و مادر نکن. چشم خود را به طور خیره به صورت آن‌ها مدوز، «إِلَّا بِرَحْمَةٍ وَ رِقَّةٍ»؛ مگر با لطف و مهربانی.

وَلَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصْوَاتِهِمَا وَ لَا يَدَكَ فَوْقَ أَيْدِيهِمَا وَ لَا تَقْدَمْ قُدَامَهُمَا» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق: ج ۳؛ ص ۴۰۳)؛ صدای خود را از صدای آن‌ها بالاتر مبر، دست خود را بالای دست آن‌ها قرار نده و در جلوی آن‌ها حرکت مکن. منظور این است که خود را بالاتر از آن‌ها نشان نده.

اگر آن‌چه که امام (علیه السلام) در مورد احسان به پدر و مادر فرمود، مورد عمل و اجرای فرزندان قرار گرفت احسان به والدین صورت گرفته است و الا عاق و نارضایتی والدین می‌باشد.

عقوق والدین چیست؟

مجلسی در شرح کافی گوید: «عقوق والدین به این است که فرزند، حرمت آن‌ها را رعایت نکند و بی ادبی نماید و آن‌ها را به سبب گفتاری یا رفتاری برنجاند و آزار و اذیت کند و در چیزهایی که عقلاً و شرعاً مانعی ندارد، نا فرمانی از آن‌ها نماید و این عقوق، گناه کبیره است و دلیل بر حرمت آن، کتاب و سنت و اجماع خاصه و عامه است».

از حضرت صادق (علیه السلام) مروی است: «کمترین عقوق (ناسپاسی والدین) گفتن اف است (به روی پدر و مادر) و اگر خدا، چیزی را از آن آسان تر می دانست از آن نهی می کرد. و نیز از عقوق است به پدر یا مادر نگاه خیره و تند کردن».

و نیز حضرتش در بیان کمترین رفتار ناشایست با والدین چنین می فرماید: «وَمِنْ أَلْعُقُوقِ أَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى وَالِدَيْهِ، فَيُحَدِّدَ النَّظَرَ إِلَيْهِمَا» (کلینی، الکاف، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۶۶)؛ یکی از چیزهایی که مورد عاق والدین می شود این است که انسان به پدر و مادر خود با یک حالت تیزی و تندی نگاه کند. از امیرالمؤمنین مروی است: «از عقوق است محزون ساختن پدر یا مادر و از موارد قطعی عقوق که گناه کبیره است، ترک برّ واجب مانند نفقه (مخارج روزانه و لباس و مسکن) در صورت احتیاج پدر یا مادر می باشد و به طور کلی آزرده خاطر والدین و رنجاندن و ناراحت ساختن آن ها عقوق و حرام مسلم است» (دستغیب، گناهان کبیره، ۱۳۹۱: ج ۱، ص ۱۲۰).

و جوب نیکی به پدر و مادر: از آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) و حکایات مستند استفاده می شود که احسان و نیکی به والدین واجب و لازم است و عقوق والدین که آزرده و رنجاندن آن ها باشد حرام و از گناهان کبیره است. چنان که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ مِنَ الْكَبَائِرِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ الْعَاقَ عَصِيًّا شَقِيًّا» (مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۴۰۳ق: ج ۷۱، ص ۷۴)؛ عاق پدر و مادر شدن از گناهان کبیره است، زیرا خداوند متعال عاق والدین را گناهکار شقی شمرده است.

جبران حق مادر ممکن نیست!

مردی خدمت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) شرف یاب شد و عرض کرد: «مادر پیری دارم که از حرکت افتاده و من او را به دوش می گیرم و هر جایی که خواست، می برم و لقمه در دهانش می گذارم و او را نظافت می کنم و در هنگام نظافت برای احترام به او، صورت خود را از او بر می گردانم. آیا من توانسته ام حق مادرم را اداء کنم؟

حضرت فرمود: «هرگز، زیرا که شکم مادر مدتی جایگاه تو بود؛ تو از سینه او غذا و شیر می خوردی. دست و پای او نگه دار و نگهبان تو بود و در تمام آن حالات، مادرت آرزوی دوام حیات تو را داشت. و تو که در حال حاضر به مادرت خدمت می کنی، آرزوی مرگش را داری که زودتر از زحمتی که در آن هستی، خلاص شوی» (دستغیب، گناهان کبیره، ۱۳۹۱: ج ۱، ص ۱۲۶).

نتیجه گیری

از آیات و روایات، سیره و عمل انبیاء و معصومین (علیهم السلام) چنین استفاده می شود که حفظ حرمت والدین یکی از واجبات الهی است و بسیار مهم و تأثیرگذار در ترقی و سعادت انسان می باشد و تا حدی اهمیت دارد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در پاسخ به این سؤال که حق پدر و مادر بر فرزندان چیست؟ فرمود: «هُمَا جَنَّتْكَ وَ نَارُكَ»؛ آن دو، بهشت و دوزخ تو هستند. یعنی بهشت در رضای والدین است و دوزخ هم در خشم والدین است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن اشعث، محمد بن محمد، «الجعفریات (الأشعثیات)»، ج ۱، مکتبه النینوی الحدیثه، تهران، بی تا.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ج ۱، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، «عیون أخبار الرضا علیه السلام»، ج ۱، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، «تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله)»، ج ۲، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ق.
۶. احمدی، زین العابدین و احمدی، حسنعلی، «مقام پدر و مادر در اسلام»، انتشارات میثم تمار، قم، ۱۳۸۸.

۱۹. بروجردی، آقا حسین، «جامع أحاديث الشيعة (للبروجردی)»، چ ۱، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، ۱۳۸۶.
۲۰. پاینده، ابو القاسم، ن «هج الفصاحة (مجموعه كلمات قصار حضرت رسول صلى الله عليه وآله)»، چ ۴، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲.
۲۱. دستغیب، سید عبد الحسین، «گناهان کبیره»، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۹۱.
۲۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، «تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة»، چ ۱، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
۲۳. عیاشی، محمد بن مسعود، «تفسیر العیاشی»، چ ۱، المطبعة العلمية، تهران، ۱۳۸۰ ق.
۲۴. قرشی، سید علی اکبر، «تفسیر احسن الحدیث»، چ ۱، دفتر نشر نوید اسلام، قم، ۱۳۹۱.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، چ ۴، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، «بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار»، چ ۲، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۲۷. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، «روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القدیمة)»، چ ۲، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، قم، ۱۴۰۶ ق.
۲۸. محمدی ری شهری، محمد، «میزان الحکمة»، چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲.
۲۹. موسوی همدانی، سید محمد باقر، «ترجمه تفسیر المیزان»، ج ۱۶، چ ۵، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۳۷۴.
۳۰. متقی، علی بن حسام، «کنز العمال»، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۳۱. نراقی، محمد مهدی، «جامع السعادات»، چ ۴، اعلمی، بیروت.

۲۰. نوری، حسین بن محمد تقی، «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، چ ۱،
مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم، ۱۴۰۸ ق.